تیشه ها و ریشه ها

کودک هیزم شکن اندر سکوت خویشتن

داشت بس آتش فشانیها درون جان و تن

تیشه میزد تا شود ماهر بقطع ریشه ها

قطع رگهای تن و جان خیانت پیشه ها

در زوایای خطوط چهر پر آژنگ او

رنجها میزد رقم مجموعۀ آهنگ او

او امید عالمی در پردۀ آینده بود

در پناه فرصت آیندۀ زاینده بود

تیشه میزد بر تناورهیمه های جنگلی

تا گریبانش نگیرد قید و بند تنبلی

هر یک از آن تیشه ها را میزد او بر ریشه ها

داشت بر سر صد هزاران نقشه و اندیشه ها

نقش نسخ قوانین رسوم بردگی

نقش محو اساس ظلم و جور و بندگی

نقش آزادی خیل سیاهان اسیر

قوم محکوم بزجر و مرگ و زندان و اجیر

نقش بگسستن زنجیر پای بردگان

نقش گستردن آزادگی اندر جهان

آنکه رنج خدمت خلق خدا بر جان گرفت

در میان خلق فانی عمر جاویدان گرفت